

اولین دستور خداوند، دستوری علمی است

احمدعدالتیان(در ادامه مرور سوره های کوچک قرآن کریم، آیات یک تا۵ سوره مبارک علق (خون بسته) را باهم تلاوت می کنیم که خداوند متعال می فرماید: «افْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ، خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ، افْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ، الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ، عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَكُنْ يَعْلَمُ، بِخَوَانِ بِهِ نَامِ بِرُورِدْكَارْت که (هستی را) آفرید. (او که) انسان را از خون بسته آفرید. بخوان که پروردگار تو از همه گرامی تر است. او که با قلم آموخت. آنچه انسان نمی دانست، به او آموخت.»

این سوره، اولین سوره ای است که بر پیامبر(ص) نازل شده و از ایشان نقل است که فرمودند:«اولین بار که جبرئیل بر من ظاهر شد، فرمود بخوان. گفتم نمی توانم، بعد از سه بار مرافشار دادو دیدم می توانم بخوانم.» خداوند متعال در این آیات به پیامبرش می گوید که خواندن را با نام کسی آغاز کن که همه هستی را از یک سو و انسان را ازسویی دیگر خلق کرده است، آن هم از خونی که بسته و غلیظ شده است.

بنابراین آغاز دین اسلام با قرائت و علم و قلم شروع شده و اولین فرمان خداوند به پیامبرش، فرمان فرهنگی و علمی بوده است. این آیات نشان می دهد که معلم اصلی انسان خداست و قلم، بهترین وسیله انتقال دانش است. وحی الهی سرچشمه علوم بشری است و خالق، پروردگار، کریم و معلم بودن خداوند، مستلزم قرائت کتاب اوست، پس رهایی از چهل با استفاده از قلم، جلوه ای از ربوبیت خداست و نویسندگی، هنر مطلوب و مورد ترغیب اسلام است. نکته یائانی اینکه خواندن باید جهت الهی داشته باشد و قرائت باید با نام خداوند آغاز شود.

حکمت

فتح الفتوح ایستادگی

حسین ابراهیمی(تاریخ، همواره میدان کشاکش میان حق و باطل بوده است؛ میدانی که در آن، عیار ایمان انسان ها در کوران حوادث و فتنه ها محک می خورد. در این کارزار مستمر، آنچه جوهره وجودی پیروان حق را از غبار تردید می رهااند، نه فقط سلاح که بصیرت برخاسته از مکتب ولایت است. مقاومت در برابر دشمن و ایستادگی در برابر دسیسه های پیداپنپهان شیاطین، تنها یک راهبرد نظامی نیست، بلکه اصلی ترین پیام الهی برای حفظ هویت توحیدی جامعه است که در کلمات نورانی اهل بیت(ع) پاره ها بر آن تاکید شده است. در این میان، سیره و کلام حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) به عنوان تجسم عینی «لافقی الاعلی لاسیف الاذوالفقار»، قلّه ای است که فهم درست ایستادگی را برای همه اعصار ترسیم می کند. خطبه ۶۶ نهج البلاغه، یک منشور عملیاتی برای مؤمنانی است که نمی خواهند در برابر فتنه و فریب دشمن، به انفعال دچار شوند. در این گفتار، امام(ع) نسخه شفابخش مقاومت ورهایی از سستی و فرار را برای رهبویان حقیقت می پیچد.

۱. ایمان به حقانیت مسیر

در ابتدای این خطبه، حضرت امیر(ع) حقانیت مسیر یاران خود را یادآوری می کنند و می فرمایند: «وَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ بَعِثْنَا اللَّهُ وَنَعَىٰ عَنْكُمْ غَمَّ زُشُولِ اللَّهِ» یعنی مجاهدت شما نه تنها برای خداست، بلکه در منظر و عنایت الهی قرار دارد. نکته بعدی که حضرت یادآوری می کنند، همراهی و معیت با مقام ولایت است؛ اینکه شما در کنار این عم رسول خدا(ص) و یگانه جانشین او ایستاده اید و این بالاترین حجت برای حقانیت در این مسیر پرتلاطم است. این تعبیر، همان شعار ماندگاری است که همواره بر زبان رزمندگان ما جاری بوده است، یعنی با ولایت تا شهادت.

۲. هجوم بیایی بر دشمن

امام(ع) در ادامه این سخن، دودستور مهم را که درواقع لازم و ملزوم یکدیگرند، گوشزد می فرمایند: «فَعَاوِدُوا الْكَرَّ وَاسْتَخُوا مِنَ الْفَرِّ فَإِنَّهُ غَايَ فِي الْأَعْقَابِ، وَ نَايَ نَوْمَ الْجَسَابِ، بِيَايِي بِرِ دُشْمَنِ حَمْلَه كَنِيْد و از فرار شرم کنید، چرا که فرار از جهاد، ننگی است که بر تارک نسل های آینده شما نیز می ماند و آتشی است که در روز حساب، دامن شما را فرا خواهد گرفت.» این کلام نورانی اشاره دارد به اینکه اولاً نباید انتظار داشته باشید تنها با یک حمله، شیرازه لشکر دشمن درهم بریزد، بلکه باید با ضربات بیایی، دشمن نیرومند را ضعیف و ضعیف تر کرده، سپس از پا درآورید. ثانیاً، هرگز نباید فکر سستی و فرار از مقاومت را در سر بپورانید، چرا که لکه ننگ آن نه تنها بر دامن شما می نشیند، بلکه نسل های آینده را نیز بی نصیب نمی گذارد و در روز رستاخیز نیز انسان را گرفتار آتش خشم الهی می سازد.

۳. استقبال از شهادت با آغوش باز

حضرت در ادامه، با عاشقان شهادت سخن می گویند و می فرمایند: «و طَيِّبُوا عَنْ أَنْفُسِكُمْ نَفْسًا وَ اَشْهُوا إِلَى الْفَوْتِ مَشْيًا شَجْعًا، از این جانبازی در راه خدا خوشحال باشید، شهادت را با اشتیاق در آغوش کشید و در این مسیر هموار، استوار قدم بردارید.» در ادامه، حضرت به لشکر دشمن که درواقع لانه شیطان و مظهر باطل است، اشاره کرده، مؤمنان را برای نابودی کامل آن فرامی خوانند. تعبیر یائانی حضرت، همان آیه شریف و کلام پرتکراری است که همواره امیدآفرین بوده است: «أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَ لَنْ يَزِيَكُمْ أَعْمَالُكُمْ» شما که در مسیر خدا بدون ترس و با ایمان مقاومت می کنید و از جانبازی در این راه هراسی ندارید، برترید؛ خدا با شماست و هرگز از یاداش اعمالتان نخواهد کاست.»

احکام

شرط تأثیر؛ مرز میان وظیفه و تکلیف

سمانه رضوانی(امریه معروف ونهی از منکر از واجبات مورد تأکید اسلام است که در قرآن و روایات، بسیار درباره آن صحبت شده است و ترک آن، موجب سستی جامعه و سسترش فساد و گناه می شود. این فرضیه، درحقیقت، هم پیمان نظارت همگانی و سلامت اخلاقی اجتماع است. اما با این همه تأکید بر وجوب و لزوم آن، یکی از پرسش هایی که مطرح می شود، این است که آیا در هر شرایطی، حتی زمانی که انسان یقین دارد امر و نهی او در طرف مقابل هیچ تأثیری ندارد، بازهم این وظیفه بر دوش اوباقی می ماند یا خیر. به عبارت دقیق تر، «شرط احتمال تأثیر» تا چه اندازه در تحقق وجوب امری معروف و نهی از منکر نقش دارد و معنای حقیقی آن چیست؟ در پاسخ، فقهای عظام، این شرط را تبیین کرده اند.

شهید حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه ای: «از شرایط امریه معروف و نهی از منکر، احتمال تأثیر است، یعنی امر و ناهی، باید احتمال دهد که امر و نهی او در طرف مقابل اثر دارد و اگر یقین یا اطمینان داشته باشد که امر و نهی در او هیچ تأثیری ندارد، امریه معروف و نهی از منکر، واجب نیست.»
حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی: «احتمال هدد که امر و نهی او اثر دارد، خواه اثر فوری داشته باشد یا غیرفوری، کامل یا ناقص، بنابراین اگر بدانند هیچ اثر نمی کند، واجب نیست.»

حضرت آیت الله العظمی سیستانی: «در واجب شدن امریه معروف و نهی از منکر، شرط است که فرد، احتمال عقلایی تأثیر در شخص خلافکار را بدهد، اما اگر انسان می داند امر و نهی او اثر ندارد، هرچند مشهور بین فقها آن است که در آن صورت وظیفه ای ندارد و امریه معروف و نهی از منکر بر او واجب نیست، ولی احتیاط واجب آن است که کراهت به نارا حتمی خود را از کارهای ناشایسته خلافکار به هر طوری که ممکن است (با گفتار یا رفتار یا نوشتار و مانند آن) اظهار نماید، هرچند بدانند که در او اثر نخواهد داشت.»

شکر

شنبه ۱۴ شهریور، ۱۳۸۸
۲۳ مرداد، ۱۳۸۸

۱۴



مهر

بررسی اعجازهای ذکر «بسم الله الرحمن الرحيم»

کلید رحمت الهی، شرط اجابت دعا

آئمه مستقیمی ا بسیار پیش آمده که در کارهایمان گره افتاده است و آن طور که می خواستیم، کارها پیش نرفته است یا آنکه دعا کرده ایم و به اجابت نرسیده است، درحالی که اگر به عمق و تأثیر کلمات و اذکار توجه می داشتیم، نه دچار مشکل می شدیم ونه به بن بست می رسیدیم؛ چرا که در فرهنگ قرآنی دینی ما واژگان واذکار از چنان بار معنایی و آثاری برخوردارند که با برخی از آن ها به قول معروف، می توان کوه را جابه جا کرد. در این نوشتار، آثار «بسم الله الرحمن الرحيم» را مرور کرده ایم.

گزارش

مسیر انس را هموار می کند

از اذکار مهم، راهبردی و دارای برکات فراوان در آموزه های دین اسلام، ذکر «بسم الله الرحمن الرحيم» است که از آن به کلید برکت و رحمت الهی تعبیر شده است و پیامبر(ص) و ائمه(ع) درباره اهمیت و آثار شگفت انگیز آن، توصیه بسیار کرده اند. این ذکر نوری است که هر کار ارزشمند را به کمال می رساند و موانع را از سر راه انسان برمی دارد. بنابر تصریح فرهنگ دینی، گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم»، نه تنها برکات دنیوی و اخروی به همراه دارد، بلکه مسیر ارتباط انسان با خدا را، هموار و این ارتباط را عمیق می کند.

پاک کن گناهان

درباره فضیلت و آثار ذکر «بسم الله الرحمن الرحيم»، روایات مختلفی از پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) وجود دارد که اهمیت و اثرگذاری منحصر به فرد آن را نشان می دهد. پیامبر(ص) در این باره می فرمایند: «هر که می خواهد خداوند، او را از نگهبانان نوزده گانه دوزخ نجات دهد، «بسم الله الرحمن الرحيم» را بخواند؛ زیرا این ذکر، نوزده حرف است تا خداوند، هر حرفی از آن را سپروا در برابر یکی از آن نگهبانان دوزخ قرار دهد.» (جامع الاخبار، ص ۴۲)

این ذکر همچنین تأثیر شگرفی بر محو گناهان می گذارد؛ رسول خدا(ص) در این باره می فرمایند: «کسی که «بسم الله الرحمن الرحيم» را بخواند، خداوند به هر حرف، ۴ هزار حسنه برای او می نویسد، ۴ هزار گناه او را پاک می کند و ۴ هزار درجه او را بالا می برد.» (بحار الأنوار، ج ۲، ص ۲۵۸)

به کار برکت می دهد

بسیار پیش آمده است کاری را آغاز کرده ایم اما به نتیجه مطلوب نرسیده است یا نتوانسته ایم آن را به اتمام برسانیم؛ یک راه مؤثر و قطعی برای جلوگیری از وقوع چنین حالتی، مداومت بر ذکر «بسم الله الرحمن الرحيم» در آغاز کارهاست. پیامبر(ص) می فرمایند: «هر کار ارزشمندی که در آن بسم الله ذکر نشود، ابتر و ناقص است.»

(بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۳۵)

ایشان همچنین در تبیین تأثیر ذکر بسم الله بر به نتیجه رسیدن کارها فرموده اند: «هرگاه بنده ای بسم الله الرحمن الرحيم بگوید، خداوند می فرماید: بنده ام کارش را با نام من آغاز کرد، بر من است که کارش را به پایان برسانم و برای او در کارهایش، برکت قرار دهم.» (عیون أخبار الرضا(ع)، ج ۲، ص ۲۶۹)

دعا با بسم الله رد نمی شود

علاوه بر این، این ذکر کلید اجابت دعاست و اگر بخواهیم دعا هایمان به مقصد اجابت برسد و آنچه می خواهیم به دست آوریم، باید بر آن مداومت کنیم. پیامبر(ص) درباره تأثیر بسم الله بر دعا کردن می فرمایند: «دعایی که با بسم الله الرحمن الرحيم شروع شود، رد نمی شود.»

(الدعوات، ص ۵۲)

امام کاظم(ع) نیز به آثار شگفت انگیز این ذکر اشاره کرده و فرموده اند: «هر که گرفتار چیزی است که عمگینش می سازد یا ناخوشایندی که ناراحتش می کند، اگر سر به آسمان بلند کند و سه بار بسم الله الرحمن الرحيم بگوید، بی تردید خداوند، گره از کارش خواهد گشود و غمش را برطرف خواهد کرد.»

(مکارم الأخلاق، ص ۳۴۷)

بررسی اعجازهای ذکر «بسم الله الرحمن الرحيم»

کلید رحمت الهی، شرط اجابت دعا

آئمه مستقیمی ا بسیار پیش آمده که در کارهایمان گره افتاده است و آن طور که می خواستیم، کارها پیش نرفته است یا آنکه دعا کرده ایم و به اجابت نرسیده است، درحالی که اگر به عمق و تأثیر کلمات و اذکار توجه می داشتیم، نه دچار مشکل می شدیم ونه به بن بست می رسیدیم؛ چرا که در فرهنگ قرآنی دینی ما واژگان واذکار از چنان بار معنایی و آثاری برخوردارند که با برخی از آن ها به قول معروف، می توان کوه را جابه جا کرد. در این نوشتار، آثار «بسم الله الرحمن الرحيم» را مرور کرده ایم.

گزارش

بزرگ ترین آیه قرآن است

«بسم الله الرحمن الرحيم» نه تنها جزو آیات قرآن بلکه برترین و با عظمت ترین آن هاست. نقل شده است شخصی به امام کاظم(ع) عرض کرد: «کدام آیه در کتاب خداوند، بزرگ تر است؟» حضرت فرمودند: «بسم الله الرحمن الرحيم»

(بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۲۳۸)

تکرار این آیه در همه سوره ها، به جز سوره توبه، نشان می دهد که خداوند دوست دارد خود را با دو صفت رحمان و رحیم به بندگان معرفی کند؛ همان طور که پیامبر خاتم(ص) را «رحمه للعالمین» و قرآن را «هدی و رحمه للمؤمنین»، معرفی کرده است. به عبارت دیگر، این ذکر شریف پرده از رحمت الهی برمی دارد و امید را در دل بندگان، ایجاد و تقویت می کند.



«مرغ بسم الله، اثر مرحوم رضامافی به سفارش مرحوم علی حاتمی سال ۱۳۶۱»

آتش ربا دارایی دنیا و آخرت را می سوزاند

هرچه بیشتر دست و پا بزند، بیشتر از آن فرو می رود. اگر کسی پیش از گرفتار شدن در دام شیطان، توبه کند و به سوی خدا بازگردد، بی شک خداوند رحمان، پدیرای او خواهد بود. در غیر این صورت، او نه تنها آخرت، بلکه دنیای خود را نیز با انبوهی از مشکلات ناشی از بی برکی و غضب الهی ویران خواهد کرد.

از سوی دیگر، ربادهنده نیز ممکن است تصور کند با این سود، مالش افزون شده است اما او غافل از این است که علاوه بر گرفتار شدن در غضب الهی، آرامش و آسایش خود را نیز قربانی کرده است. اثر خنامن سوزاین عمل، بر آرامش روانی او نیز سایه می افکند؛ به گونه ای که حتی اگر امکانات مادی فراهم شود، از لذت و بهره و آتشی را که وعده آن قطعی است، برای خود مهیا نساخت.

داده است، پس به خدا پناه می بریم از آن آتش؛ ربا همواره بر زبان هر پیامبری و در هر کتاب آسمانی، حرام اعلام شده است. «(فقه الرضا، ج ۲۵۶)

توهم سود، باتلاق بی پایان گناه

اثر ظاهری ربا بر جامعه پوشیده نیست؛ ربا باعث می شود ناتوان، بیشتر ناتوان شود و ثروتمند، بر ثروت خود بیفزاید. اما در باطن، هر دو گروه در آتشی از غضب الهی می سوزند که خیر، برکت، معنویت و سعادت را در آن ها خاکستر می کند.

شاید ربا گیر تصور کند با این گناه، راهی برای حل مشکلات خود یافته است. اما او درواقع از خدا دور شده و زندگی اش را از برکت الهی تهی می کند. هرچه فرد از خدا دورتر شود، به وسوسه های شیطان نزدیک تر می شود؛ گویی در باتلاقی گرفتار شده که

رستمی ا بیانات اهل بیت (ع) در کنار قرآن کریم، چراغ راه و هدایتگر انسان در تاریکی های نفس و گرفتاری های دنیوی است. بر آنیم تا با تبیین حدیث امام رضا(ع) درباره نهی از ربا، تلنگری اجتماعی قرائت از مصوبات قانونی و مبتنی بر آموزه های الهی به جامعه وارد کنیم.

ربا عملی حرام و موجب غضب الهی است که در تمامی ادیان و توسط همه پیامبران مورد نکوهش قرار گرفته است. روایات و آیات بسیار بر این موضوع تأکید دارند و علمائیز همواره درباره خطرات آن هشدار داده اند. امام رضا(ع) در این باره می فرمایند: «اغْلَمَ، يَزِفُكُ اللَّهُ، أَنَّ الرِّبَا خَرَامٌ شَحَتْ، مِنَ الْكِبَايِرِ وَ مِمَّا قَدْ وَعَدَ اللَّهُ عَلَيْهِ النَّارَ فَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْهَا، وَهُوَ مُخَرَّجٌ عَلَى لِسَانِ كُلِّ نَبِيٍّ وَفِي كُلِّ كِتَابٍ، خداوند تو را حمت کند؛ بدان که ربا حرام و مال به دست آمده از آن، حرام و ناپاک است؛ ربا از گناهان کبیره است و خداوند بر آن وعده آتش

درنگ



داده است، پس به خدا پناه می بریم از آن آتش؛ ربا همواره بر زبان هر پیامبری و در هر کتاب آسمانی، حرام اعلام شده است. «(فقه الرضا، ج ۲۵۶)

توهم سود، باتلاق بی پایان گناه

اثر ظاهری ربا بر جامعه پوشیده نیست؛ ربا باعث می شود ناتوان، بیشتر ناتوان شود و ثروتمند، بر ثروت خود بیفزاید. اما در باطن، هر دو گروه در آتشی از غضب الهی می سوزند که خیر، برکت، معنویت و سعادت را در آن ها خاکستر می کند.

شاید ربا گیر تصور کند با این گناه، راهی برای حل مشکلات خود یافته است. اما او درواقع از خدا دور شده و زندگی اش را از برکت الهی تهی می کند. هرچه فرد از خدا دورتر شود، به وسوسه های شیطان نزدیک تر می شود؛ گویی در باتلاقی گرفتار شده که